

فصل اول

1.0 آستانه سنگین

اکنون آنچه که در بالا است، باید در چگالی پایین تحمل شود. روح ناپایدار است؛ از دست فرار می‌کند. بدن ثابت است؛ آتش را تحمل می‌کند.

بگذارید کسی که در بوته آزمایش کار می‌کند، بفهمد: دنیای پایین، دنیای ظاهر است - بوم آشکار ماده سنگین، جایی که فرکانس‌های خاموش حروف اولیه کند، به دام افتاده و در عناصر متراکم زمین محصور می‌شوند.

هنگامی که نفس کیهانی از هفت دروازه سیارات فرود آمد، نور آن به کف سرد قلمرو مادی برخورد کرد. نور باقی نماند. متراکم شد. به وزن، رطوبت، غبار و سنگ تبدیل شد. شما که می‌خواهید در آزمایشگاه کار کنید، نباید با چشمان باز به آسمان نگاه کنید در حالی که کوره شما سرد می‌شود. باید بر چهار ستون فیزیکی که نور معنوی را در زندان جسم حبس می‌کنند، تسلط پیدا کنید.

فصل اول

۱.۱ چهار طبیعت: عناصر قفس

تمام ماده فیزیکی زیر چرخ ماه از چهار نیروی اصلی و لمسی ساخته شده است. اینها نمادهای انتزاعی نیستند؛ آنها واقعیت‌های فیزیکی هستند که بر زغال چوب، آب‌ها، اسیدها و سنگ‌های معدنی شما حکومت می‌کنند:

[جفت فعال]

گرما (بافت) <---> سرما (محدود)

|

v

[واسطه‌های غیرفعال]

رطوبت (جریان) <---> خشکی (سفتی)

فصل اول

گرما : نیروی فعال و رو به بالا. این نیرو منبسط می‌شود، لطیف را از غلیظ جدا می‌کند و ناخالصی‌ها را بیرون می‌راند. این نیروی نشان آتش آسمانی است که در درون چوب عمل می‌کند.

سرما : نیروی منقبض‌کننده و پیونددهنده. این نیرو روح ناپایدار را کند می‌کند، سکون می‌آورد و ماده را به یک نقطه واحد می‌کشاند. این شکست کیهانی است که مانع از حل شدن دوباره جهان به انرژی خالص می‌شود.

رطوبت : واسطه غیرفعال و سیال. این نیرو به شکل‌ها اجازه تغییر می‌دهد، در خلاء جریان می‌یابد و به عنوان پلی عمل می‌کند که دو عنصر مختلف را با هم مخلوط می‌کند. بدون رطوبت، هیچ چیز نمی‌تواند رشد کند یا تغییر شکل دهد.

خشکی : نیروی سفت و سخت و دفاعی. این نیرو سیال را سخت می‌کند، شکل را حفظ می‌کند و در برابر تغییر مقاومت می‌کند. این چارچوب اسکلتی است که به سنگ ثبات می‌دهد.

فصل اول

هر ماده فیزیکی از یک جفت از این طبیعت‌ها تشکیل شده است. آتش گرم و خشک است؛ هوا گرم و تر است؛ آب سرد و تر است؛ خاک سرد و خشک است.

کیمیاگر سنگ را نابود نمی‌کند؛ او این پارامترها را دستکاری می‌کند. اگر بتوانید یک فلز سرد را مجبور کنید که سردی خود را رها کند و گرما دریافت کند، تمام هندسه فیزیکی آن را مجبور به تغییر کرده‌اید.

فصل اول

۱.۲ دو بخار: رحم مواد معدنی

در اعماق تاریکی زیرزمینی، در اعماق ریشه‌های کوه‌ها، چهار طبیعت تحت فشار عظیم زمین با هم تعامل دارند. این به ما می‌آموزد که این تعامل دو گاز اولیه و میانی - والدین واقعی همه فلزات فیزیکی - را تولید می‌کند.

بخار گوگرد: بازدمی گرم، خشک و دودی. این بخار، جرقه فعال و معنوی خورشید را حمل می‌کند. این دانه‌ای است که به فلزات رنگ، سختی و آتش درونی‌شان را می‌دهد.

بخار جیوه: بخاری سرد، مرطوب و آبکی. این بخار، کیفیت منفعل و بازتابنده ماه را حمل می‌کند. این ماتریکس سیال است که به فلزات وزن، توانایی ذوب و درخشش فلزی‌شان را می‌دهد.

وقتی این دو بخار در غارهای عمیق به هم می‌رسند، در هم قفل می‌شوند. اگر خالص باشند و اگر هزاران هفته به آرامی توسط گرمای زیرزمینی تحت هم‌ترازی کامل با بالا پخته شوند، طلا را تشکیل می‌دهند. اگر آلوده، بی‌صبر یا توسط دروازه خشن و الزام‌آور زحل مورد اصابت قرار گیرند، زودرس منجمد می‌شوند و به سرب یا آهن رسوب می‌کنند.

فصل اول

۱.۳ قانون ظاهر و باطن

امید= > در اینجا راز عملیاتی اصلی کتاب «پایین»، بنیادی که جابر علم میزان خود را بر آن بنا نهاد، نهفته است:

هر جسم فیزیکی یک وجه بیرونی (ظاهر) دارد که توسط حواس درک می‌شود و یک وجه درونی (باطن) که از چشم پنهان است. وجه درونی همیشه دقیقاً معکوس ریاضی وجه بیرونی است.

به معماری فیزیکی دو فلز اصلی که کار را تکمیل می‌کنند، نگاه کنید:

فلز	طبیعت ها بیرونی (ظاهر)	طبیعت های درونی (باتن)	وضعیت
سرب	سرد و خشک (سنگین، کدر، سفت)	گرم و مرطوب (سیال، پتانسیل طلایی)	نامتعادل
طلا	گرم و مرطوب (درخشان، انعطاف‌پذیر، جاودانه)	سرد و خشک (هسته پایدار و انعطاف‌ناپذیر)	تعادل کامل

فصل اول

فلز پایه زندانی است. سرب از بیرون سرد است، اما روحی
طلایی، گرم و مرطوب را در اعماق هسته خود پنهان می‌کند.

کار آزمایشگاه نوعی وارونگی است. کیمیاگر از آب‌های خورنده،
نمک‌های تیز و گرمای پایدار کوره برای شکستن زره سرد و خشک
سرب استفاده می‌کند. او فلز را از درون به بیرون می‌چرخاند -
گرمای پنهان و معنوی آن را به سطح می‌آورد و سردی بیرونی آن را
به هسته تاریک می‌راند.

وقتی درون به بیرون تبدیل می‌شود، پایین به طور کامل به ندای
بالا پاسخ داده است. کار مهر و موم شده است.

فصل دوم

هفت جسم و خوردگی‌های آنها

2.5 زندان جسمانی

هفت حاکم سیاره‌ای سایه‌های خود را در اعماق پوسته زمین انداخته‌اند و فرامین معنوی خود را در هفت وسیله فیزیکی مجزا منجمد کرده‌اند. اینها اجساد - هفت جسم فلزی - هستند.

در آزمایشگاه زیرین، شما با پرتوهای سیاره‌ای بکر کار نمی‌کنید؛ شما با ماده سنگین، کدر و سرسختی کار می‌کنید که در برابر دست مقاومت می‌کند. برای عمل بر روی این اجسام، باید آسیب‌پذیری‌های خاص آنها، فسادهایشان و درگاه‌های مخفی‌شان را درک کنید. نمی‌توانید فلزی را مجبور به تسلیم روح خود کنید تا زمانی که استخوان‌های فیزیکی آن را از طریق عمل خوردگی بشکنید.

هر فلزی بیماری خاصی را که از دوران جنینی زمینی آن ناشی می‌شود، حمل می‌کند. وظیفه کیمیاگر این است که به عنوان پزشک کیهانی عمل کند - عدم تعادل عنصری را تشخیص دهد، ناخالصی‌های فاسدکننده را پاکسازی کند و بذر سیاره‌ای پنهانی را که در پوسته مادی به دام افتاده است، آزاد کند.

فصل دوم

۲.۱ هفت ظرف فلزی

۱. سرب

ماتریکس فیزیکی: در ظاهر بیرونی سرد و خشک است. سنگین، کدر، نرم روی تیغه است و در صورت قرار گرفتن طولانی مدت در معرض آتش، خاکستری کم‌رنگ تولید می‌کند.

راز آزمایشگاهی: سرب ریشه کار است. از آنجا که سطح بیرونی آن فوق‌العاده سرد و بسته است، به عنوان یک سپر عالی عمل می‌کند و درون (باطن) گرم، مرطوب و طلایی خود را از آلودگی بیرونی حفظ می‌کند.

واکنش: هنگامی که در یک ظرف در بسته روی کود گرم، در معرض بخارات تیز سرکه قرار می‌گیرد، پوسته محافظ آن به نمکی شیرین و سفید تبدیل می‌شود. این نمک سفید اولین ترک خوردگی پوسته است - مدرک فیزیکی مبنی بر اینکه رطوبت پنهان را می‌توان از سنگ خشک بیرون کشید.

فصل دوم

۱۱. قلع

ماتریکس فیزیکی: در ظاهر گرم و مرطوب است، اما ذاتاً ترک خورده است. وقتی خم می‌شود، صدای تیز و ترق تروقمانندی از خود ساطع می‌کند - "فریاد قلع" - که نشانه فیزیکی اصطکاک عنصری آن است، جایی که رطوبت آن در برابر انجماد خشک زودرس مبارزه می‌کند.

راز آزمایشگاهی: قلع در اثر حرارت بسیار فرار است. اگر آتش کوره خیلی تیز باشد، به سرعت به یک کلکس سفید مرده تبدیل می‌شود و روح خود را در هوا از دست می‌دهد.

واکنش: وقتی با گوگرد تحت شعله‌ای آرام و تنظیم شده ذوب / می‌شود، به ترکیبی درخشان و طلایی رنگ (طلای موزاییکی سولفید استانیک) تبدیل می‌شود. این واکنش فریب بزرگی برای کارگران آماتور است. از نظر چشم، طلا را تقلید می‌کند، اما فاقد وزن و پایداری خورشید واقعی است. به مبتدی می‌آموزد که رنگ بدون چگالی یک توهم است.

فصل دوم

۱۱۱. آهن

ماتریکس فیزیکی: در ظاهر گرم و خشک است. سخت، سرسخت و دارای میل ترکیبی جنبشی شدید با کوره است.

راز آزمایشگاهی: آهن حاوی گوگرد ناخالص و سوخته اضافی است. رطوبت هوا را می‌بلعد و آن را به زنگ قرمز و مخرب تبدیل می‌کند که جسم خود را از بیرون به داخل می‌خورد.

واکنش: با عمل‌آوری براده‌های آهن با روغن‌های ویتریولی که از مس سبز تقطیر می‌شوند، فلز به نمکی سبز و شیشه‌ای تبدیل می‌شود. در این حالت سیال، گرمای (سولفات آهن) تهاجمی و رزمی آهن رام می‌شود و به یک مایع خنک‌کننده و بلوری تبدیل می‌شود که به راحتی با اجسام دیگر ترکیب می‌شود.

فصل دوم

چهارم. طلا

ماتریکس فیزیکی: در بیرون گرم و مرطوب است، کاملاً با درون سرد و خشک متعادل شده است. متراکم، فسادناپذیر و کاملاً در برابر دندان‌های گزنده اسیدهای معمولی و آتش معمولی مصون است.

راز آزمایشگاهی: طلا نمایانگر سکون مطلق در مقیاس کیهانی است. چیزی برای از دست دادن و چیزی برای به دست آوردن ندارد. از آنجا که فاقد هرگونه عنصر اضافی است، نمی‌تواند توسط عوامل منفرد خورده شود.

واکنش: برای مجبور کردن خورشید به باز کردن دروازه‌های قفل شده‌اش، کیمیاگر باید ارواح تیز نمک را با آب‌های فرار نیترات ترکیب کند و نمک‌های اژدها (آکوا رجیا) را ایجاد کند. تحت این حمله ترکیبی، طلای کامل شکل جامد خود را از دست می‌دهد و در یک مایع غلیظ و زرد خونین حل می‌شود. این طلای مایع پایه و اساس اکسیر واقعی است. این خورشید است که به روحی سیال تبدیل شده و آماده بذر افشانی فلزات پایه است.

فصل دوم

پنجم. مس

ماتریکس فیزیکی: در قسمت بیرونی گرم و مرطوب است. رنگ سبز شدید و درخشانی دارد که در زیر پوست قرمز رنگش پنهان شده است.

راز آزمایشگاهی: مس نزدیکترین خویشاوند طلا است، اما تعادل عنصری آن بسیار ناپایدار است. گرمای خارجی آن محافظت نشده است و آن را در برابر سیاه شدن سریع زیر شعله آسیب پذیر می کند.

واکنش: هنگامی که در معرض بخارات تیز و اسیدی انگور در حال تخمیر یا سولفات مس تقطیر شده قرار می گیرد، پوست قرمز بیرونی آن پوسته پوسته می شود و به پوسته ای درخشان و سبز دریایی (زنگار / استات مس) تبدیل می شود. این زنگ سبز توسط مبتدی بسیار ارزشمند است. این رطوبت خالص و غلیظ زهره است - واسطه حیاتی مورد نیاز برای رنگ آمیزی اجسام پایه در طول کار زرد کردن.

فصل دوم

ششم. جیوه

ماتریکس فیزیکی: در ظاهر سرد و مرطوب است. مایعی است که انگشتان را خیس نمی‌کند؛ فلزی که از آتش فرار می‌کند؛ روحی سرد که مانند آب جاری است اما وزن سنگ را دارد.

راز آزمایشگاهی: جیوه کلید جهانی است. این یک جسم واقعی نیست، بلکه یک روح زنده و فرار است که فراموش کرده چگونه منجمد شود. این توانایی را دارد که تمام فلزات جامد دیگر را حل کند، نام‌های فردی آنها را از بین ببرد و آنها را در رحم سیال خود فرو ببرد.

واکنش: وقتی در یک فلاسک شیشه‌ای گردن بلند (پلیکان) قفل می‌شود و به مدت چهار روز به طور مداوم روی شعله کم و بدون پلک زدن پخته می‌شود، مایع نقره به آرامی دچار یک دگرگونی وحشتناک می‌شود. دیگر جاری نمی‌شود؛ درون خود را به بیرون می‌چرخاند و به یک پودر درخشان، سنگین و قرمز خون (اکسید جیوه قرمز) تبدیل می‌شود. ماده فرار ثابت شده است. روح جاری توسط گرما زنجیر شده است.

فصل دوم

۷۱۱. نقره

ماتریکس فیزیکی: در ظاهر سرد و مرطوب، به زیبایی سفید، بسیار بازتابنده و از نظر خلوص ساختاری، پس از طلا، دومین است.

راز آزمایشگاهی: نقره آینه‌ای بی‌نقص است. کاملاً از گوگرد سوزان و کثیف که آهن و مس را خراب می‌کند، پاک است. با این حال، در برابر بخارات زیرزمینی گوگرد که سطح سفید آن را فوراً سیاه می‌کند، بسیار آسیب‌پذیر است.

واکنش: هنگامی که در الکل تقطیر شده نیتریک (اسید نیتریک) غوطه‌ور می‌شود، نقره با جوششی شدید و جوشان حل می‌شود و ظرف شیشه‌ای را بدون کمک آتش گرم می‌کند. به سوزن‌های تیز، تلخ و شفاف (نیترات نقره) متبلور می‌شود. این کریستال‌ها در صورت لمس، گوشت انسان را فوراً سیاه می‌کنند و به کیمیاگر می‌آموزند که نور خالص ماه هنگام کشیده شدن به قلمرو مادی، به سایه‌ای کورکننده تبدیل می‌شود.

فصل دوم

بگذارید فرد مبتدی قبل از روشن کردن دم، این شبکه عملیاتی را مطالعه کند. برای تغییر یک بدن، باید بیماری فیزیکی آن را با عامل اصلاحی صحیح تطبیق دهید.

هر واکنشی یک عمل رهایی بخش است. شما فلز را نابود نمی کنید؛ شما قفل فیزیکی ظاهر (بیرونی) آن را در هم می شکنید تا انرژی سیاره ای درون باطن (درونی) آن بتواند از گور زمینی اش رهایی یابد.